

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوازدهم، شماره بیست و سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهبانندی

دبیر تحریریه:

محمدجواد نصر آزادانی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

محمد شیرینکار موحد

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

علی فراهانی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی گرگانی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

- علی نهبانندی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ / دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

چاپ: گلها - قم / قیمت: ۲۰۰ هزار تومان

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)



مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری
جهان اسلام (ISC)



A Jurisprudential Analysis of the Scope of the Eternal Sanctity Ruling Resulting from the Commission of Sodomy

*Sajjad Shahbaz Qahfarrokhi*¹

*Zahra Bazargani*²

Abstract

Article 1056 of the Civil Code states in vague that if someone commits a heinous act with a boy, he cannot marry his mother, sister, or daughter. Although this issue itself is agreed upon by Imamiyya jurists, given the ambiguity of this regulation and the silence of the laws, the judge will encounter different opinions when applying Article 167 of the Constitution and referring to reliable Islamic sources. In this article, using a descriptive-analytical approach and by examining reliable jurisprudential sources, the views of jurists regarding the scope of establishing the eternal sanctity of marriage following the commission of sodomy have been explained, and the existing ambiguity has been resolved. Ambiguities such as the type of sodomy that is effective in establishing the ruling, the inclusion or exclusion of the ruling regarding the ascending and descending line (of generation), the difference or similarity of the ruling regarding the minority or adulthood of the Pederast or passive partner in sodomy, and the inclusion of the ruling regarding foster relatives are some of these ambiguities that have been raised and answered in this article. This regulation is also ambiguous regarding the time of the act. It is proposed that Article 1056 of the Civil Code be amended as follows: If a person commits sodomy with a male person, after committing the act, he cannot marry his sister, mother, or daughters by blood or fosterage, or his ancestors or descendants.”

Keywords: Obstacles to marriage, Affinity, Sodomy, Eternal sanctity.

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Humanities, Shahrekord University; sajjadshahbaz@sku.ac.ir; sajjadshahbaz@sku.ac.ir

2. Researcher, Seminary of sisters; njafari133@gmail.com

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال دوازدهم، شماره بیست و سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۴)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

تحلیل فقهی گستره حکم حرمت ابدی ناشی از ارتکاب لواط

سجاد شهباز قهفرخی^۱

زهرابازرگانی^۲

چکیده

در ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی به نحو مجمل، چنین آمده است که اگر کسی با پسری عمل شنیع کند؛ نمی‌تواند مادر، خواهر یا دختر او را تزویج کند. اگرچه اصل این مسئله مورد اتفاق فقهای امامیه است؛ اما نظر به اجمال این مقرر و سکوت قوانین، قاضی در پی عمل به اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی و رجوع به منابع معتبر اسلامی با نظرات مختلفی مواجه خواهند شد. در این نوشتار با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تتبع در منابع معتبر فقهی، به تبیین دیدگاه فقها در مورد گستره ایجاد حرمت ابدی نکاح در پی ارتکاب لواط، پرداخته شده و ابهام موجود برطرف گردیده است. ابهاماتی نظیر نوع لواط مؤثر در ثبوت حکم، شمول یا عدم شمول حکم نسبت به خط صعودی و نزولی، تفاوت یا یکسانی حکم نسبت به صغر یا کبر فاعل یا مفعول و شمول حکم نسبت به محارم رضاعی، برخی از این ابهامات هستند که در این مقاله طرح و پاسخ داده شده‌اند. این مقرر در مورد زمان ارتکاب فعل نیز ابهام دارد. پیشنهاد می‌گردد، ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی بدین شرح اصلاح گردد: «اگر کسی با فردی مذکر، مرتکب عمل لواط شود، پس از ارتکاب فعل، ازدواج لائط با خواهر، مادر و دختران نسبی یا رضاعی و اجداد و نوادگان مفعول صحیح نیست».

واژگان کلیدی: موانع نکاح، مصاهرت، لواط، حرمت ابدی.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهرکرد؛

sajjadshahbaz@sku.ac.ir

۲. پژوهشگر حوزه علمیه خواهران؛ njafari133@gmail.com

مقدمه

اصل اولیه در انتخاب همسر، آزادی اشخاص است. این اصل را که از آیه ۲۴ سوره نساء استنباط نموده‌اند (اراکي، ۱۴۱۹ق، ص ۱۹۷) دارای استثنائاتی است. فقیهان امامیه (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۰۴ - ۴۹۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۸۶ به بعد؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۳۹ - ۸۲۶؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۷ - ۲۶۲) و به تبع آنان قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (مواد ۱۰۵۱، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴ و ۱۰۵۶) عواملی را به عنوان موجبات ایجاد حرمت ابدی که مانع صحت نکاح باشد، برشمرده‌اند. عقد کردن زن شوهردار با علم به وجود علقه زوجیت؛ عقد کردن زنی که در عده طلاق یا در عده وفات است با علم به عده و حرمت نکاح؛ عقد در حال احرام با داشتن علم به حرمت و زنا با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعیه باشد، از جمله این عوامل است. علاوه بر این موارد، عامل دیگری که موجب ایجاد حرمت ابدی دانسته شده، ارتکاب لواط است که در پی این عمل، مادر، دختر و خواهر مفعول، بر فاعل حرام ابدی می‌شوند. عامل اخیر، در زمره‌ی مسائلی است که فقیهان امامیه در مورد اصل آن اتفاق نظر دارند. سید مرتضی این حکم را از متفردات امامیه دانسته است. (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۲۶۵) همچنین شیخ طوسی تصریح نموده که اهل سنت ایجاد حرمت را در این فرض نپذیرفته و مخالف چنین حکمی هستند. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۰۸) به هر روی، این حکم توسط فقیهان امامی به مثابه یک حکم اتفاقی تلقی شده (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۰۳) و از مسلمات فقه شیعه قلمداد شده است. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۲۵؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۲۵؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۲۳۵) صاحب جواهر ضمن تأکید بر این فتوا، روایات دال بر آن را در بالاترین حد از تواتر و استفاضه دانسته است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۴۴۷) بنابراین، اصل ایجاد حرمت ابدی در فرض ارتکاب لواط، امری اتفاقی و اجماعی در میان فقیهان امامیه است، که در ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی منعکس شده است.

با این وجود آنچه در خصوص این موضوع محل بحث است، گستره این حکم است. اصل ۱۶۷ قانون اساسی قضات را مکلف نموده است در موارد سکوت، نقص، اجمال یا تعارض قوانین مدونه، با مراجعه به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی

معتبر حکم قضیه را صادر نماید. اجمال و سکوت ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی در موارد ذیل قابل بررسی است: ۱) آیا ایجاد حرمت ابدی تنها در پی لواط ایقابی تحقق می‌یابد یا مادون آن نیز موجب ایجاد حرمت ابدی می‌شود؟ ۲) آیا حرمت ابدی نکاح در پی لواط شامل اجداد و نوه‌ها هم می‌شود؟ ۳) آیا حکم مذکور در مورد فاعل و مفعول صغیر و بالغ متفاوت است، آیا تفاوتی در سن آنان نیست؟ ۴) آیا حکم حرمت، شامل مادر، خواهر و دختر رضاعی نیز می‌شود یا تنها محارم سببی را در بر می‌گیرد؟ ۵) آیا ارتکاب حرام مذکور بعد از عقد هم موجب انفساخ عقد می‌شود؟ بهر روی باید پرسید حکم حرمت ابدی نکاح در پی ارتکاب لواط در چه فرضی جاری می‌شود؟

علی‌رغم وجود ابهامات فوق در این مسئله، تنها یک مقاله در خصوص ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی سامان یافته است (علیشاهی و اکبریان، ۱۳۹۸ش، ص ۸۹ - ۶۵) که در موارد متعددی نظر فقهی برآمده از ادله پژوهشگران محترم، در این مقاله مورد پذیرش قرار نگرفته است؛ ضمن اینکه در مقاله مزبور بین برخی فروض تفکیک دقیقی صورت پذیرفته است. اکثر فقهای که در باب نکاح، کتاب تألیف نموده‌اند به بیان برخی فروض و صور مسئله مورد پژوهش پرداخته‌اند ولیکن تفکیک بین فروض مختلف و بررسی ادله فقهی هر نظر با روش فقه جواهری امتیاز ویژه‌ای است که این مقاله در پی دستیابی به آن است.

برخی دیگر از پژوهشگران نیز مسئله حرمت ابدی نکاح در برخی فروض دیگر را مورد مطالعه قرار داده‌اند. یکی از پژوهشگران در خصوص «حرمت ناشی از ازدواج در ایام عده» پژوهش نموده است. (بهمن‌پوری، ۱۴۰۰ش، ص ۱۲۳-۱۰۷) همچنین در مورد «حرمت ابدی نکاح با ذات بعل» نیز مقاله‌ای توسط، سید ابوالحسن نواب و مهدی نوروزی نگاشته شده است. (نواب و نوروزی، ۱۴۰۰ش، ص ۸۸ - ۷۰) برخی نیز با نگاه بین مذاهبی به «واکاوی تطبیقی حرمت‌های ابدی ازدواج در فقه امامیه و زیدیه» پرداخته‌اند. (ساردویی‌نسب و دیگران، ۱۳۹۴ش، ص ۱۰۸ - ۸۱)

دو مقاله نخست، با موضوع بحث پژوهش حاضر، تفاوت موضوعی دارند. پژوهش سوم نیز، به صورت کلی به طرح اسباب حرمت ابدی نکاح با نگاهی تطبیقی بین دو مذهب فقهی همت گماشته است.

در این نوشتار تلاش می‌شود با نگرشی تحلیلی، گستره حکم حرمت در فروع مختلف مورد بررسی قرار گیرد و در پایان برای رفع ابهام و خلأ قانونی در این زمینه، پیشنهادی برای اصلاح و تکمیل مقرر ۱۰۵۶ ارائه گردد. در همین راستا، ضمن تبیین گستره حکم مذکور در فقه امامیه به بررسی موضع فعلی قانون مدنی و همچنین موضع بایسته قانون‌گذار در این خصوص پرداخته خواهد شد.

۱. شناسایی مفهوم لواط مؤثر در حکم

دو پرسش اساسی در رابطه با آنچه موجب حرمت ابدی در موضوع حاضر می‌شود وجود دارد که پاسخ به آنها بسیار مهم است: نخست اینکه، مراد از لواط در اینجا چیست؟ آیا تنها لواط ایقابی (لواط همراه با دخول) مراد است؛ یا لواط غیرایقابی هم موجب ایجاد حرمت ابدی است؟ دوم اینکه، اگر مراد لواط ایقابی است، با چه میزان دخول، حرمت ابدی تحقق می‌یابد؟

۱-۱. ایقابی بودن لواط

فقیهان امامیه، لواط را بر دو گونه‌ی «ایقابی» و «غیرایقابی» دانسته‌اند و در نتیجه میان مجازات این دو نوع تفاوت گذاشته‌اند. (حلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۹۲) بر اساس این نگرش، در صورتی که مردی، آلت خود را میان ران‌ها یا کپل مرد دیگری قرار دهد باز هم لواط صدق خواهد کرد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۷۴) و این‌گونه نیست که لواط صرفاً ناظر بر دخول آلت باشد. مستند این دیدگاه روایت حدیفه بن منصور از امام صادق علیه السلام است. در این روایت آمده است: «سالت ابا عبدالله علیه السلام عن اللواط. فقال: ما بین الفخذین. وسالته عن الذی یوقب؛ فقال: ذاک الکفر بما انزل الله علی نبيه صلی الله علیه و آله» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۴۰).

حال پرسشی که در خصوص ایجاد حرمت ابدی مطرح می‌شود، این است که آیا هر دو گونه‌ی لواط موجب ایجاد حرمت ابدی نکاح می‌شود یا تنها لواط ایقابی این اثر را در پی دارد؟ در پاسخ باید گفت: مبتنی بر روایات وارده، آنچه موجب ایجاد حرمت ابدی نکاح می‌شود، لواط ایقابی است و تفخیز و مانند آن چنین حکمی در پی نخواهند داشت. روایت ابن ابی عمیر به صراحت مفید این ادعا است: «فی رجلٍ

يَعْبَثُ بِالْعُلَامِ قَالَ إِذَا أَوْقَبَ حَرُمَتْ عَلَيْهِ ابْنَتُهُ وَأُخْتُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۱۷) روایات دیگری هم که در این خصوص وارد شده است، همگی مفید همین امر هستند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۱۷ - ۴۱۸) از همین رو برخی از فقیهان بزرگ امامیه به صراحت گفته‌اند: اگر لواط ارتکابی غیرایقابی باشد، چنین حرمتی تحقق نخواهد یافت. (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۴۵۳) برخی نیز تصریح نموده‌اند، اطلاق لواط به کمتر از دخول، از باب مجاز است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۱، ص ۳۷۶)

۲-۱. میزان ایقاب

مترتب بر پاسخ فوق، پرسش دیگری به وجود می‌آید، چه میزان ایقاب موجب ایجاد حرمت ابدی می‌شود؟ در این مسئله نیز نظرات مختلفی مطرح شده است. پاسخ به این پرسش دائر مدار این است که آیا با ادخال بعض الحشفه، عنوان «ایقاب» نیز محقق خواهد شد یا نه؟ زیرا در ادله روایی، حکم حرمت معلق بر ایقاب شده است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۴۴۹)

برخی تصریح داشته‌اند، دخول و ایقاب با ادخال بعض الحشفه محقق می‌شود. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۲۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۵۹۸) برخی گفته‌اند: اگرچه واژه ایقاب به ادخال تمام الحشفه انصراف دارد؛ اما با ادخال بعض الحشفه نیز حکم حرمت ایجاد می‌شود. (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۲۳۶) برخی نیز بدون ذکر استدلال، ادخال بعض الحشفه را نیز موجب ایجاد حکم حرمت دانسته‌اند. (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۲۵؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۲)

برخی دیگر با طرح معنای لغوی حشفه و ایقاب، گفته‌اند؛ چون با ادخال بعض الحشفه، عنوان «ادخال القضیب» صدق نمی‌کند، پس حکم حرمت به وجود نخواهد آمد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۴۴۹)

به نظر می‌رسد، مطلب اخیر قابل دفاع باشد؛ زیرا اولاً: در روایات وارده جهت تبیین نوع دخول، از تعبیر «ثقب» استفاده شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۱۷، حدیث اول؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷۷، ص ۲۹۶، حدیث ۴۵) همچنین در روایات دیگر تعبیر «أَوْقَبَ» و «الْإِيقَابَ» به کار رفته است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۱۸، حدیث ۴ و ۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۱۰، حدیث ۴۴ و ۴۳) واژه «ثقب» در روایات باب حد لواط نیز به

کاررفته است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۹۸ و طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۵۱) همچنین در احادیث راجع به احکام اولاد نیز از تعبیر «ثقب الاذن» به معنای سوراخ کردن گوش نوزاد استفاده شده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۴) واژه «ثقب» اسم است و به معنای «آنچه وارد جایی شود» آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۳۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۳۹) بر اساس معنای لغوی «ثقب» نیز باید گفت که در روایات مختلف، «ثقب» با دخول تمام حشفه محقق می‌شود. همچنین در صورت تردید در ایجاد حکم حرمت، می‌توان به قاعده اولیه رجوع نمود و حکم به جواز نکاح داد.

ثانیاً: با مراجعه به روایات می‌توان فهمید که سؤالات و پاسخ امام ناظر به ایقابی است که منشأ آلودگی معنوی شده و غسل جنابت را لازم ساخته و آلودگی عرضی می‌آورد و موجب حد لواط و زنا می‌شود و در این موارد، کمتر از حشفه حکم نمی‌آورد؛ زیرا بعید است، بگوییم حدّ که مجازاتی برای این عمل شنیع است؛ تنها در صورت ادخال حشفه و بیشتر جاری است، ولی حکم حرمت ابد که [آن هم مجازاتی] اوسع است (شیری زنجانی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۲۲۸) بر ادخال بعض الحشفه نیز مترتب می‌شود. این تحلیل، حرمت ابدی نکاح را به عنوان مجازاتی تبعی محسوب نموده و مجازات تبعی نمی‌تواند از مجازات اصلی سنگین‌تر باشد.

ثالثاً: بعد از فحوص در ادله و عدم یافتن دلیل مخصص، مستنداً به ادله لفظی نظیر «أَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكُمْ...» می‌توان اصل اولیه را آزادی اشخاص در انتخاب همسر دانست (اراکی، ۱۴۱۹، ص ۱۹۷) که در موارد تردید نیز، به این اصل تمسک کرد.

در ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی از لفظ «عمل شنیع» استفاده شده است. همان‌طور که گفته‌اند، این لفظ مبهم است؛ (لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۸۵) لکن اکثر نویسندگان حقوق خانواده، بیان نموده‌اند که منظور از لفظ «عمل شنیع» لواط: یعنی نزدیکی کردن و انجام عمل وطی با مذکر بوده و ادخال بعض الحشفه نیز موجب حرمت ابدی می‌شود. (لطفی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۲۶؛ حائری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۱۷؛ امامی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۲۸) برخی از پژوهشگران نیز همین نظر را تأیید نموده‌اند. (علیشاهی و اکبریان، ۱۳۹۸، ص ۷۹)

از این رو لازم است، در اصلاح این ماده، موضع قانون‌گذار روشن شود تا قضات

در مقام صدور حکم،^۱ دچار اختلاف نظرهای فقهی نشوند و ابهام در کلمه عمل شنیع نیز برطرف شود؛ اما با این وجود، نظر به ادله پیش گفته در حال حاضر می‌توان واژه «عمل شنیع» را حمل بر فرد اجلی یعنی «لواط ایقابی با تمام الحشفه» نمود و در مواردی که لواط به قدر الحشفه رخ نداده است، حکم به صحت نکاح داد.

۲. گستره ایجاد حرمت به اعتبار خط نزولی یا صعودی

در این که آیا این حکم به «ام» و «بنت» منحصر است و شامل جدات و نوه‌ها نمی‌شود و یا حکم عام است و شامل سلسله جدات به طور صعودی و نوادگان به شکل نزولی هم می‌شود یا نه؟ بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. در این زمینه دو دیدگاه مطرح شده که در ادامه به بررسی هر یک پرداخته خواهد شد.

۲-۱. دیدگاه عمومیت حرمت نسبت به جدات و نوه‌ها

۲-۱-۱. تقریر نظریه

اکثر فقها قائل به عمومیت هستند و بیان کرده‌اند که حرمت شامل جدات و نوه‌ها نیز می‌شود و برخی در این مورد ادعای اجماع نموده‌اند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۲۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۱۷؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۶ و ۲۸۱؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۳؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۳۰۲)

۲-۱-۲. بررسی ادله

برای اثبات این نظریه می‌توان به دو دلیل تمسک جست که در ذیل به بررسی هر دو پرداخته خواهد شد.

یک. اجماع

یکی از مستندات آنی که برخی از فقها بر عمومیت حکم نسبت به جدات و نوه‌ها بیان

۱. نباید انگاشت که طرح این مسئله در محاکم غیرقابل تصور است؛ زیرا در فرضی که شخص بعد از ارتکاب لواط و انعقاد نکاح، فوت نموده باشد، ممکن است ذی‌نفعان در پی اخذ حکم «بطلان نکاح» به دلیل ارتکاب پیشینی لواط بوده و از این طریق بخواهند با تمسک به آثار بطلان نکاح، زوجه را از حقوق ناشی از زوجیت نظیر مهرالمسمی و سهم الارث محروم نمایند.

نموده‌اند اجماع است. محقق کرکی بعد از بیان این مطلب که حکم تحریم شامل جدّات مفعول نیز می‌شود، می‌نویسد: «كأن هذا الحكم متفق عليه بين الأصحاب» (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۱۶) در کتاب ریاض المسائل نیز ادعای اجماع چنین بیان شده است: «و مستند تحریم العالیات و السافلات هو الاتّفاق» (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۲۳۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۶۰۱)

دو: شمول عنوان

آیا عنوان «أم» و «بنت» بر جدّات و نوه‌ها نیز صدق می‌کند؟ و می‌توان عنوان «أم» را بر جدّات و «بنت» را بر نوه‌ها تطبیق داده و قائل به عمومیت حرمت گردید؟ آنچه از کلام اکثر فقها به دست می‌آید، صدق این عناوین بر جدّات و نوه‌ها است. از کلام سرائر، حقیقی بودن اطلاق عنوان «أم» و «بنت» بر جد و نوه استفاده می‌شود که ایشان نیز بعد از بیان حکم، با عبارت «لأنهن بناته حقیقة» این معنا را تصریح نموده‌اند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۲۵) مرحوم کرکی نیز دلیل این حکم را صدق عنوان مادر بر خط صعودی و صدق عنوان بنت بر خط نزولی، دانسته است. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۱۸) علامه بحرانی حقیقت شرعی بودن این الفاظ را در امّهات و بنات بعید نشمرده است و با استناد به آیات و روایات وارده در باب نکاح، قائل به عمومیت شمول امّهات و بنات در سلسله صعودی و نزولی هستند. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۵۹۸) آیت‌الله شبیری زنجانی نیز ضمن تأیید حقیقت شرعی بودن این الفاظ در معنای وسیعش بیان می‌دارند: «هرگاه در باب مصاهره این دو لفظ استعمال شود، متفاهم عرفی همان معنای وسیعش خواهد بود.» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۱۳)

۲-۲. دیدگاه اختصاص حرمت به مادر و دختر

گروهی دیگر از فقها معتقدند، این عنوان عمومیت نداشته و تنها «دختر» و «مادر» را شامل می‌شود.

۱-۲-۲. تقریر نظریه

در مقابل قول به عمومیت، برخی از فقها قائل به اختصاص حکم حرمت به مادر و دختر شخص مفعول گردیده‌اند. برخی از معاصرین گفته‌اند: از آنجایی که در روایات

به نحو مطلق، فقط به «أم» و «بنت» تصریح شده است و در مورد اولاد دختر و یا جدات سخنی به میان نیامده است و واژه مطلق نیز به «فرد اکمل» انصراف دارد؛ لذا اطلاق واژه «أم» به مادر بزرگ و واژه «بنت» به نوه از باب مجاز است. (قطیفی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۱۹۷) همچنین، صاحب کشف اللثام در صدق عنوان «أم» به مادر بزرگ و واژه «بنت» به نوه تردید نموده است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۱۸۸) بر اساس این بیان نیز، استعمال این دو لفظ، در اولاد و اجداد به نحو مجاز است.

۲-۲-۲. دلیل نظریه

در این نظریه با استناد به معنای حقیقی واژه «أم» به مادر و واژه «بنت» به دختر، معانی دیگر را مجاز دانسته است. همان گونه که در بالا ذکر شد؛ قائلین، عمومیت به اجماع استناد کرده اند؛ اما در نقد ایشان گفته اند: این اجماع به دلیل آنکه عده کثیری از فقها متعرض این مسئله نشده اند ادعایی بی سند است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۶۱) همچنین در رد دلیل دوم ایشان، می توان گفت: تمسک به شمول اسم، در صورتی ممکن است که قرینه ای بر آن دلالت کند. در غیر این صورت، هر کدام از الفاظ «أم» و «بنت» معنای خاص خود را دارند و بر این اساس، نام مادر، بر مادر بزرگ و نام دختر، بر نوه قابل اطلاق نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ص ۴۱۹) شاهد بر این مدعا آن است، اگر کسی وصیت کند به اولاد من چیزی بدهید این بیان، شامل نوه ها نمی شود و تنها فرزندان بلاواسطه او را در بر می گیرد.

۲-۳. نظریه مختار

به نظر می رسد ادله قول به عموم، از استحکام بیشتری برخوردار است. قائلین به عموم به دو دلیل وجود اجماع و شمول اسم، تمسک نموده اند. قبول داریم که با توجه به وجود ادله لفظی، استناد به اجماع صحیح نیست. زیرا اجماع مستند به دلیل لفظی، اجماع مدرکی تلقی می شود و فاقد اعتبار فقهی است؛ (سبحانی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۷۱) اما دلیل دوم ایشان، خالی از اشکال است و شمول عنوان «أم» یا «بنت» بر جدات و نوه ها پذیرفته می شود.

۲۵۳ در رد دلیل دوم، قائلین به اختصاص - مخالف با شمول اسم بودند - می توان

چنین بیان نمود، لفظ «أم» و «بنت» اطلاق دارد و ادعای انصراف لفظ مادر و دختر بر مادر و دختر بی واسطه، متفق علیه نبوده و قبول انصراف در صورتی است که این فهم از توجه یافتن لفظ به معنای خاص خود، مورد پذیرش همگان واقع گردد. برخی از فقهای سلف نیز خلاف چنین انصرافی را صائب دانسته و معنای عامی برای «أم» و «بنت» قائل هستند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۲۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۱۷) براین اساس، انعقاد انصراف در اطلاق واژه «أم» و «بنت» با مشکل مواجه خواهد بود و اطلاق حاصله حجیت دارد.

۳. گستره ایجاد حرمت به اعتبار بالغ یا صغیر بودن فاعل

در مورد این مسئله که آیا صغیر یا بالغ بودن فاعل در ایجاد حکم حرمت ابدی، تأثیر دارد یا خیر؟ بین فقها اختلاف نظر مشاهده می‌شود. در این قسمت به بررسی تفصیلی و مدلل هر یک از نظریات پرداخته خواهد شد.

۳-۱. دیدگاه شرطیت بلوغ در فاعل

برخی معتقدند، نشر حرمت در صورتی است که فاعل، بالغ باشد؛ زیرا در روایات، کلمه «رجل» آمده است، ظهور در فاعل بالغ دارد چرا که به پسر بچه قبل از بلوغ، «رجل» اطلاق نمی‌شود.

۳-۱-۱. تقریر نظریه

برخی فقها، عمومیت حکم را مورد اشکال دانسته و قائل‌اند، تنها در صورتی این عمل موجب حرمت ابدی می‌شود که فاعل، بالغ باشد و این گروه از فقها عبارت «إذا لاط البالغ بغلام» استفاده شده که صراحتاً دال بر این است که فاعل باید بالغ باشد. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۴۴۷؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۳۰۱؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۸، ص ۵۴۹؛ سیستانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۶۳؛ فاضل، ۱۴۲۲، ص ۳۷۸) برخی نیز احتیاط را لازم دانسته‌اند. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۶۰۰)

۳-۱-۲. دلیل نظریه

عمده دلیل ایشان این است که عبارت «حرّم علیه» دلالت بر اختصاص حکم به

مکلفین دارد و احکام تکلیفی نیز متوجه صغیر نیست؛ لذا اگر صغیری مرتکب این عمل شود، حرمتی بر آن مترتب نخواهد شد. برخی با تمسک به همین دلیل بیان می‌دارند در مورد صغیر، اصل بر عدم تحریم است. (عمیدی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۶۳) برخی دیگر با استناد به روایات، گفته‌اند: آنچه که در روایات آمده لفظ رجل است که به بلوغ واطی اشاره می‌کند. ایشان تبادل لفظ رجل در شخص بالغ را دلیل بر این مطلب دانسته است و تصریح می‌نماید وجهی برای الحاق واطی صغیر به بالغ وجود ندارد. (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۲۳۷) همچنین صاحب جواهر نیز معتقد است؛ اگرچه حکم وضعی شامل صغیر نیز می‌شود، اما در روایات این باب، حکم بر عنوان «الرجل» مستقر شده است. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۴۴۷)

۳-۲. دیدگاه شرط نبودن بلوغ در فاعل

در مقابل قول نخست، چه بسا گفته شود از آنجایی که در اکثر روایات، از لفظ عام «مَن» استفاده شده است؛ حرمت، عمومیت دارد و شامل هر دو فرض فاعل صغیر و بالغ می‌شود. (شیری زنجانی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۲۲۱۸)

۳-۲-۱. تقریر نظریه

برخی فقها قائل به عمومیت حرمت در مورد فاعل صغیر و بالغ هستند و حکم را با عبارت «مَن اوقب» یا «مَن لاط» به صورت مطلق بیان نموده‌اند. (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۲۳۳؛ فقعانی، ۱۴۱۸، ص ۱۹۲؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۲۳۸؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۳) فقهای متعددی قائل به این نظریه هستند که بزرگانی نظیر امام خمینی، مرحوم خوئی و علامه حلی از جمله ایشان هستند. (یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۲۵؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۱؛ حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳؛ اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۱۸۷؛ مرعشی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۲۳۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۴، ص ۱۱۵)

۳-۲-۲. دلیل نظریه

قائلین به این نظر از عبارت «و لا فرق بین الصغیرین و البالغین» استفاده نموده‌اند که بیانگر تصریح در حکم بوده و نشان می‌دهد که فاعل اگرچه صغیر باشد حرمت ابدی ایجاد خواهد شد. به عنوان نمونه، شهید ثانی می‌فرماید: «و لا فرق فیهما بین

الصغیر و الکبیر علی الأقوی، للعموم»^۱ (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۰۳) ایشان از این عمومیت دلیل، تساوی حکم بین فاعل صغیر و بالغ را استفاده نموده‌اند. شهید ثانی در اینجا به دلیل عمومیت داشتن حکم تحریم به جهت این عبارت قول امام صادق علیه السلام که فرمود: «اذا اوقب حرمت علیه ابنته و اخته» بین صغیر و بالغ تفاوتی قائل نشده است.

منشأ اختلاف بین فقها این است که آیا از لفظ «مَن» در عبارت «مَن لاط غلاماً» استفاده عمومیت و اطلاق می‌شود یا خیر. شیخ انصاری علی‌رغم پذیرش اولیه این اطلاق، آن را رد می‌کند و معتقد است در روایات، حکم بر عنوان «الرجل» حمل شده است و از ظاهر روایات نیز برمی‌آید که حکم، هنگامی بر موضوع مترتب می‌شود که در زمان ارتکاب لواط، شخص واجد عنوان «الرجل» بوده باشد؛ نه در زمان پرسش از حکم. ایشان در تأیید این استدلال می‌گویند: حکم تحریمی متوجه اشخاص بالغ است. همچنین، همان‌گونه که شیخ انصاری بیان داشته است: «اگرچه مراد از تحریم در این موارد، مطلق فساد را می‌رساند - زیرا صیغه و ماده نهی در مطلق فساد استعمال شده است - اما نمی‌توان به این دلیل تمسک نمود؛ زیرا همین فلسفه را می‌توان، در تحریم بستگان فاعل بر مفعول نیز جاری دانست؛ اما مشهور فقها حکم را مختص فاعل دانسته‌اند.» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۳)

۳-۳. نظریه مختار

به نظر می‌رسد با توجه به روایات وارده در این باب متعلق حکم، لزوماً باید فاعل بالغ باشد؛ زیرا اولاً: در این روایات، لفظ «رجل» آمده که ظهور در فاعل بالغ است؛ ثانیاً: ادعای این که مراد از رجل در این روایات، مطلق «شخص مذکر» باشد، مسموع نیست؛ زیرا معنای حقیقی «رجل» خصوص «مرد» در قبال «صغیر» است و استعمال آن در سایر معانی و مفاهیم مجازی خواهد بود و در مانحن فیه قرینه‌ای بر اعتبار این اطلاق وجود ندارد. ثالثاً: می‌توان روایتی که عام هستند را بر روایات خاص حمل نمود و بدین ترتیب روایاتی که عبارت «مَن اوقب» و نظیر آن را دارند را بر

۱. همان‌گونه که گفته‌اند منظور اطلاق ادله است و اتیان عنوان «العموم» توسط شهید ثانی مسامحه در تعبیر است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۰۳)

روایات خاص که واژه «الرجل» دارند حمل نمود. با حمل عام بر خاص، عموم از حجیت ساقط می‌شود. رابعاً: با تردید در ایجاد حکم الزامی تحریمی، می‌توان به اصل برائت تمسک نمود.

۴. گستره ایجاد حرمت به اعتبار بالغ یا صغیر بودن مفعول

در مورد این مسئله که آیا مفعول، لزوماً باید نابالغ باشد تا حرمت ابدی نکاح با مادر و دختر و خواهر او ایجاد شود یا لواط با مفعول بالغ هم همین حکم را به دنبال دارد نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی تصریح کرده‌اند که فرقی بین «رجل» با «غلام» نیست در حالی که عده‌ای دیگر از ایشان، عنوان مسئله را «غلام» قرار داده‌اند و تصریح به رجل نکرده‌اند.

۴-۱. دیدگاه شرطیت صغیر بودن مفعول

با توجه به لفظ غلام در برخی روایات، برخی فقها حکم نموده‌اند که اگر مفعول صغیر نباشد، حکم حرمت جاری نخواهد بود.

۴-۱-۱. ۱-۴. تقریر نظریه

در برخی کتب فقهی در عنوان مسئله فقط لفظ «غلام» به کاررفته است که ممکن است تداعی‌کننده این امر باشد که حکم صرفاً ناظر بر مفعول صغیر است. (بحرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲۳، ص ۵۹۶؛ یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۸۲۵) در این دیدگاه در صورتی که مفعول، بالغ باشد حکم حرمت ابدی نکاح ایجاد نمی‌شود.

۴-۱-۲. ۲-۴. دلیل نظریه

در کتاب تفصیل الشریعه بر ادعای عدم فرق بین مفعول صغیر و بالغ اشکال شده که موضوع ادله در روایات وارده برانگیختن شخص بالغ بر نابالغ است؛ یعنی لواط را تنها در صورتی موجب حرمت ابدی دانسته‌اند که شخص بالغ با فرد نابالغی مرتکب این عمل شود و دلیلی وجود ندارد که ما این عنوان را بر هر دو فرد بالغ و نابالغ وارد کنیم و اطلاق بالغ بر شخص نابالغ خلاف قاعده است. (لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۵۷) همچنین در تقریر این نظریه گفته‌اند: در روایات، کلمه «غلام» ذکر شده

است و مفهوم ذکرشدن این قید به نحو سالبه جزئیة حاکی از آن است که این حکم دربارهٔ عنوان غیر غلام ثابت نیست؛ در غیر این صورت، ذکر قید غلام لغو خواهد بود. (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۳۱)^۱

۴-۲. دیدگاه عدم شرطیت صغیر بودن مفعول

در مورد عدم فرق بین مفعول صغیر و بالغ برخی فقها عنوان نموده‌اند که فرقی بین رجل و غلام نیست؛ لذا عده‌ای در این مورد، ادعای اجماع کرده و لفظ غلام را از باب تغلیب دانسته‌اند.

۴-۲-۱. ۴-۲-۱. تقریر نظریه

در مقابل قول به لزوم صغیر بودن مفعول که تنها با لفظ «غلام» در کتب فقهی مطرح بود، در بعضی دیگر از کتب فقهی لفظ «غلاماً او رجلاً» ذکر شده است به این معنا که در مفعول، غلام بودن الزام ندارد و حکم شامل رجل نیز می‌شود. (حائری، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۲۳۶؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۱۷)

۴-۲-۲. ۴-۲-۲. دلیل نظریه

اولین دلیلی که برای عدم تفاوت مفعول صغیر و بالغ بیان شده اجماع است. صاحب جواهر بیان می‌دارد: «اگر اجماع وجود نداشت، حکم عدم تفاوت بین صغیر و بالغ قابل خدشه بود.» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۴۴۷) دلیل دوم الغاء خصوصیت عرفی است؛ زیرا این عمل، شنیع است و همان‌طور که در مورد مفعول صغیر، موجب حرمت ابدی می‌باشد به طریق اولی در مورد مفعول بزرگسال هم موجب حرمت می‌شود. دلیل سوم، قرینه است که به قرینه بنت می‌فهمیم که مراد از غلام در روایات بزرگسال است، زیرا تا بزرگسال نباشد ازدواج نمی‌کند تا این که بتواند دختری داشته باشد و بر فاعل حرام شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۶۰) همچنین با تتبع در روایات درمی‌یابیم که در الفاظ روایات، کلمه غلام بیان شده و اکثر عبارات فقها نیز با عنوان غلام مطلب را بیان کرده‌اند و لکن می‌توان این قید را قید

۱. این بیان توسط آیت الله زنجانی از قائلین به این قول، نقل شده و مورد نقد معظم له واقع شده است.

غالب دانسته و بدین نظر متمایل شد که تفاوتی بین مفعول صغیر و بالغ نباشد.

۳-۴. نظریه مختار

به نظر می‌رسد که ادله قول به عمومیت بر دلیل قول به اختصاص ترجیح دارد. به این معنا که در حرمت نکاح با مادر و دختر و خواهر مفعول، فرقی در بالغ و صغیر بودن مفعول نیست؛ زیرا قائلین به قول لزوم صغیر بودن، در برابر ادله متعدد قائلین به عمومیت، تنها به دو دلیل استناد نمودند که هر دو قابل‌خداشه است. دلیل اول ایشان، ذکرشدن لفظ «غلام» در روایات بود که جواب آن، در ادله قائلین به عمومیت به این نحو بیان شد که در دسته‌ای دیگر از روایات، لفظ «غلاماً» یا «رجلاً» آمده است و ذکر واژه غلام تنها از باب غلبه بوده و اختصاص حکم به آن را نمی‌توان پذیرفت. همچنین دلیل دوم ایشان، ورود نابالغ بر بالغ بود که در این خصوص باید گفت که این بیان از روایات نیز دلالتی بر اختصاص نداشته و با الغاء خصوصیت عرفی می‌توان حکم را به مفعول بالغ نیز تسری داد.

اگرچه در ماده ۱۰۵۶ واژه «پسر» ظهور در فرد نابالغ دارد اما حقوقدانان نیز در مورد ابهام ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی تصریح نموده‌اند واژه «پسر» در این ماده هم شامل فرد بالغ و هم شامل فرد نابالغ می‌شود و استعمال لفظ «پسر» از باب غلبه است. (لنگرودی، ۱۳۸۵ش، ص ۸۵؛ حائری، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۹۱۶؛ امامی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۳۲۸؛ یثربی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۳۲؛ طاهری، ۱۴۱۸ش، ج ۳، ص ۱۰۲) و در اینجا منظور جنس مذکر است و لفظ پسر در این مقرر قانونی خصوصیتی ندارد. (محقق داماد، ۱۳۷۶ش، ص ۳۷۴)

۵. گستره ایجاد حرمت به اعتبار رضاعی یا نسبی بودن قرابت

در این مسئله که آیا حرمت ابدی تنها شامل محارم نسبی می‌شود یا محارم رضاعی را نیز در بر می‌گیرد بین فقها اختلاف نظراتی مشاهده می‌شود؛ اگرچه اکثر فقها قائل به شمول حکم نسبت به محارم رضاعی هستند لکن برخی محارم رضاعی را ملحق به محارم نسبی نمی‌دانند.

منشأ اختلاف در این است که اسم «بنت» و «اخت» و «ام» به نحو استعمال

حقیقی بر مادر و دختر نسبی دلالت دارد و اطلاق آن به مادر و دختر رضاعی مجاز

است و هرگاه تردید شود که آیا معنای مجازی مورد نظر متکلم بوده است یا معنای حقیقی، اصل بر این است که معنای حقیقی، منظور بوده است. (سبحانی، ۱۳۸۷، ص ۱۹) از جهت دیگر ادله «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» نیز وجود دارد که عمومیت آن شامل موضوع مسئله شده و بدین ترتیب با استناد به عمومیت ادله حکم شامل محارم رضاعی نیز خواهد شد.

۵-۱-۵. دیدگاه عمومیت حرمت نسبت به محارم رضاعی و نسبی

اینکه آیا خواهر و دختر رضاعی مفعول، نیز بر فاعل حرام می‌گردد یا خیر؟ مورد بحث فقها واقع شده است. برخی از ایشان خواهر و دختر رضاعی را نیز بر فاعل حرام دانسته و برخی دیگر تنها بر دختر و خواهر نسبی اکتفا نموده‌اند.

۵-۱-۱-۵. تقریر نظریه

برخی فقها، محارم رضاعی را ملحق به محارم نسبی دانسته و بستگان رضاعی را در حکم بستگان نسبی دانسته‌اند. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۱۸؛ اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۷۳۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۶۰؛ حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۲۳۶؛ حلی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۸۷؛ خوبی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۲، ص ۲۴۱؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۸۱) برخی دیگر نیز الحاق حرمت محارم رضاعی را به نسبی قوی دانسته و این قول را به مشهور نسبت داده‌اند. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۶۰۰)

۵-۱-۲-۵. دلیل نظریه

مهم‌ترین دلیلی که فقها، برای عمومیت داشتن حرمت نسبت به محارم رضاعی و نسبی بیان می‌دارند عمومیت روایت «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۴۴۸) است. برخی از معاصرین نیز تصریح نموده‌اند که مقتضای فراز مذکور، این است که حرمت نکاح ام و بنت و اخت، اختصاصی به محارم نسبی نداشته باشد؛ بلکه محارم رضاعی این عناوین هم حرام است. (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۲۷۳) همچنین علامه بحرانی علاوه بر عمومیت استفاده شده از روایت فوق، آیه «وَأُمَّهَاتِكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتِكُمُ مِنَ الرِّضَاعَةِ» (نساء: ۲۳) را نیز به عنوان دلیل بر صدق عنوان «ام» بر مادر رضاعی ذکر کرده است و روایت صحیح مسلم که بیان

می‌کند: «فی رجل فجر بامرأة أیتزوج أمها من الرضاعة أو بنتها؟ قال: لا». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۳۸) را به عنوان مؤید ذکر نموده است. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۴۴۲)

۲-۵. دیدگاه اختصاص حرمت به محارم نسبی

در مقابل، قول دوم حکم را مختص محارم نسبی دانسته و شمول آن نسبت به محارم رضاعی را دارای اشکال تلقی نموده است. (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۲) چه بسا بتوان این‌گونه استدلال نمود که به دلیل مجازی بودن اطلاق عنوان «ام» و «بنت» در محارم رضاعی، حرمت به مادر و دختر و خواهر نسبی اختصاص دارد. (بحرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲۳، ص ۶۰۰)

محقق کرکی نیز اگرچه با استناد به اینکه الفاظ باید در معانی حقیقی استعمال شوند، شمول عنوان «ام» و «بنت» و «اخت» را نسبت به مادر، خواهر و دختر رضاعی نپذیرفته است؛ اما نهایتاً به دلیل قوی بودن ادله رضاع تن به حکم مشهور داده است. (کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۱۸)

۳-۵. نظریه مختار

به نظر می‌رسد قول به عمومیت حکم متقن بوده و ادله ایشان برای اثبات آن کافی است. قول مقابل دارای ایراد است؛ زیرا اولاً: اگرچه اطلاق واژه «ام»، «بنت» و «اخت» مادر، خواهر و دختر رضاعی را شامل نمی‌شود، اما از ادله «یحرم من الرضاع ما یحرم بالنسب» برداشت می‌شود؛ هر حکمی در مورد محارم نسبی وجود داشته باشد، به محارم رضاعی نیز سرایت داده می‌شود. (بحرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲۳، ص ۶۰۰)

در تقریر دیگری از همین دلیل گفته‌اند: نیازی نداریم که بگوییم واژه «ام» عام است لکن می‌توان قاعده را ضمیمه نموده و بیان نمود اطلاق قاعده، رضاعیات را مشمول حکم قرار می‌دهد؛ بنابراین مقتضای عموم «یحرم من الرضاع یحرم من النسب» این است که حرمت نکاح «ام»، «بنت» و «اخت» اختصاصی به محارم نسبی نداشته باشد؛ بلکه این عناوین ولو اینکه رضاعی باشند نیز موجب ایجاد حرمت خواهند شد. (مکارم، ۱۴۲۴ق، ص ۴۶۲)

در ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی لفظ مادر و خواهر به صورت مطلق بیان شده است و ۲۶۱

با توجه به اختلاف نظر فقهی این اطلاق، ابهام‌آفرین است. می‌توان با استناد به همین اطلاق، ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی و قاعده، «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» شمول آن را نسبت به خواهر و مادر رضاعی نیز پذیرفت. حقوقدانان نیز این اطلاق را پذیرفته و بیان کرده‌اند: در حرمت ابدی مادر، خواهر و دختر مفعول بر فاعل، تفاوتی بین محارم نسبی و رضاعی نیست و با توجه به صدر ماده ۱۰۴۶ که قرابت رضاعی را هم ردیف قرابت نسبی قرار داده است می‌توان حکم ماده ۱۰۵۶ را همه‌جا تعمیم داد. (لطفی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۱۲۷؛ لنگرودی ۱۳۸۵ش، ص ۸۵) در اصلاح قانون مدنی تصریح به عدم تفاوت بین قرابت نسبی و رضاعی از این حیث نیز مفید خواهد بود.

۶. تأثیر زمان ارتکاب لواط بر ایجاد حرمت

هرگاه لواط قبل از عقدی باشد، موجب حرمت ایجاد عقد با زوجه خواهد شد؛ اما در مورد ایجاد حرمت ابدی نکاح در صورتی که لواط بعد از عقد واقع شود، در مجموع سه قول وجود دارد. مشهور قائل به حلّیت، غیرمشهور، قائل به حرمت و برخی همچون اسکافی نیز قائل به تفصیل هستند. بدین ترتیب که اگر لواط، در زمانی باشد که عقد واقع شده اما دخول، اتفاق نیفتاده است باعث حرمت می‌گردد و در غیر این صورت، یعنی در صورت دخول، باعث حرمت نمی‌شود. منشأ اشکال در این است که کسانی که قائل‌اند در صورت تحقق لواط در زمان عقد با زوجه، حرمت زوجیت اتفاق نمی‌افتد به عمومیت قول «انَّ الحرام لا یحرم الحلال» تمسک کرده و همچنین با استفاده از اصل استصحاب حکم به عدم حرمت داده‌اند؛ اما قائلین به حرمت، روایت مرسله ابن ابی عمیر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۱۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۴۴) را به عنوان صحیح‌ه تلقی نموده و عمومیت «ان الحرام لا یحرم الحلال» را بدین وسیله تخصیص زده‌اند که باید دیدگاه و ادله هر یک مورد بررسی قرار گیرد.

۶-۱. نظریه عدم ایجاد حرمت در صورت ارتکاب لواط بعد از عقد

بسیاری از فقها قائل به این هستند که اگر لواط بعد از عقد واقع شود، موجب حرمت ابدی نمی‌شود.

۱-۱-۶. تقریر نظریه

علامه بحرانی، با عبارت «و هو ممّا لا اشکال فیه» (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۶۰۱) نظریه عدم تحریم بعد از عقد را تأیید نموده است. سایرین نیز عبارات مشابهی دارند. (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۷۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۲۰۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۴۴۹؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ص ۴۲۲)

۲-۱-۶. دلیل نظریه

مهم‌ترین دلیل این نظر، روایت نبوی «ان الحرام لا یحرم الحلال» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۳۸) است. در اینجا واژه «الحلال» ظهور در حلال فعلی دارد نه شأنی. از این رو آنچه بالفعل بر شخص حلال است، با ارتکاب گناه بر او حرام نخواهد شد؛ اما قبل از عقد، چون آن زن بر وی شأناً حلال است، تعلیل، شامل این مورد نمی‌شود؛ لذا زن بر او حرام خواهد شد. (شیرازی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۲۵۳) همچنین با تمسک به اصل استصحاب نیز می‌توان حلیت موجود قبل از ارتکاب عمل شنیع را استمرار بخشید.

۲-۶. نظریه ایجاد حرمت در صورت ارتکاب لواط بعد از عقد

در مورد حرمت نکاح در اثر لواط بعد از عقد، غیرمشهور قائل‌اند که لواط بعد از عقد نیز موجب حرمت ابدی می‌شود.

۱-۲-۶. تقریر نظریه

در مورد این حکم که آیا ایقاب بعد از عقد نیز موجب حرمت ابدی می‌شود یا خیر؟ برخی از فقهای سلف، متعرض فرض ارتکاب لواط بعد از عقد نکاح نشده‌اند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۰۱) لکن برخی از فقها اطلاق این عبارت را حمل بر ایجاد حرمت نموده‌اند. (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۲۳۸) برخی دیگر، از عبارات نیز اگرچه تصریحی به فرض مسئله ندارند اما می‌توان از آن توقف در صدور فتوا را استفاده نمود. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۱۹) برخی دیگر، عبارت «فی جمیع الاحوال» را بعد از حکم به حرمت آورده‌اند، (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۴۵۳) که با صراحت بیشتری می‌توان این

نظریه را از آن استنباط نمود. یحیی بن سعید در «ایقاب بعد العقد» متمایل به انفساخ عقد شده و حکم به عدم انفساخ را به «قیل» نسبت داده است. (حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۲۸) از متأخرین هم صاحب جواهر و صاحب ریاض در ایقاب بعد العقد حکم به احتیاط کرده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۴۴۹؛ حائری ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۲۳۹) مرحوم سبزواری و صاحب عروه نیز جانب احتیاط را راجح دانسته‌اند. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۴، ص ۱۱۵؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۲۵) امام خمینی^{علیه السلام} نیز اگرچه حکم به عدم انفساخ نکاح داده است؛ اما ترک احتیاط را نیز شایسته نمی‌داند. (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۲) برخی از معاصرین نیز احتیاط را شایسته دانسته‌اند. (وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۳۰۲)

۲-۲-۶. دلیل نظریه

دلیل اول: روایت «إِذَا أَوْقَبَ حَرْمَتَ عَلَيْهِ ابْتِئَهُ وَ أَخْتَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۴۴۴) است که اطلاق داشته و شامل بعد از عقد نیز می‌باشد. دلیل دوم: روایت ابن ابی عمیر است؛ «فِي رَجُلٍ يَأْتِي أَخَا امْرَأَتِهِ فَقَالَ: إِذَا أَوْقَبَهُ فَقَدْ حَرَمْتَ عَلَيْهِ الْمَرْأَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۱۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۴۴) در این روایت صراحتاً از واژه «امْرَأَتِهِ» استفاده شده است که ظهور در زوجیت فعلی دارد.

۳-۶. نظریه مختار

در مورد ادله غیرمشهور می‌توان گفت: مهمترین دلیل ایشان استناد به اطلاق دلیل لفظی است و لکن در اینجا نمی‌توان به اطلاق ادله تمسک جست؛ چه اینکه یکی از مقدمات حکمت «عدم انصراف» است و اگر انصرافی وجود داشته باشد تمسک به اطلاق صحیح نیست. از سوی دیگر روایات مورد استناد ایشان، با بعضی نصوص مانند «مَا حَرَّمَ حَرَامٌ قَطُّ حَلَالًا» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۰، ص ۸۱۱) که با اسناد مختلف و مضامین مشابهی آمده، (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۰؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۱۶۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۴۲۹) در تعارض است. حسب فرض نکاح سابق به نحو صحیح واقع شده است و انجام عمل شنیع باعث نخواهد شد که عقد صحیح سابق منفسخ گردد. به عبارت اصولی اطلاق دلیل لفظی با ظهور دلیل «مَا حَرَّمَ حَرَامٌ قَطُّ»

حَلَّالاً» تعارض پیدا می‌کند و نتیجه از حجیت افتادن اطلاق دلیل اول است. هم‌چنین روایت ابن ابی عمیر مرسله بوده و به دلیل اختلاف در حجیت مراسیل ابن ابی عمیر (سبحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۱-۲۰۹) در استناد کلام به معصوم تردید ایجاد می‌شود و از این رو این روایت قابلیت استناد ندارد. حقوق‌دانان نیز قول اخیر را پذیرفته و علاوه بر استناد به اصل صحت، گفته‌اند: در مورد تردید می‌توان استصحاب صحت نکاح سابق را نمود و با عقلی دانستن قاعده، «الحرام لا یحرم الحلال» معتقد شده‌اند عمل حرام نمی‌تواند آثار حقوقی ثابته را زائل کند. (امامی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۲۸؛ محقق داماد، ۱۳۷۶، ص ۳۷۵)

نتیجه‌گیری

اصل حکم حرمت ابدی نکاح در پی ارتکاب لواط، مورد اجماع و توافق فقها بوده و مستند فقها روایات متواتر وارده و اجماع است اما در مورد گستره این حکم، بین فقها اختلافاتی دیده می‌شود. با بررسی موارد اختلاف و ادله فقها می‌توان این نتایج را پذیرفت:

۱. حکم حرمت نکاح عمومیت داشته است و شامل اجداد و نوه‌ها نیز می‌شود.
۲. تفاوتی بین صغیر و بالغ در شخص مفعول وجود ندارد و لفظ غلام در روایات، نظر به مورد غالب دارد.
۳. بنا بر مقتضای عموم «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» می‌توان بیان داشت حرمت نکاح مادر، خواهر و دختر، اختصاصی به محارم نسبی ندارد؛ بلکه محارم رضاعی این عناوین نیز مشمول حکم حرمت می‌شوند.
۴. بنا بر قول مشهور و طبق قاعده «ان الحلال لا یحرم الحلال» لواط بعد از عقد، موجب حرمت ابدی نمی‌شود.

از این رو می‌توان ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی را به این صورت اصلاح نمود: «اگر کسی با فردی مذکر، مرتکب عمل لواط شود، پس از ارتکاب فعل، ازدواج لائط با خواهر، مادر و دختران نسبی یا رضاعی و اجداد و نوادگان مفعول صحیح نیست.»

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. (تصحیح غفاری، علی اکبر)، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
 ۳. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۴. اراکی، محمدعلی (۱۴۱۹). کتاب النکاح. قم: نور نگار.
 ۵. اصفهانی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
 ۶. امامی، حسن (۱۳۷۵). حقوق مدنی. تهران: نشر اسلامی.
 ۷. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵). کتاب النکاح (لشیخ الأنصاری). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
 ۸. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ق.). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۹. بحرانی، محمد (۱۴۲۹ ق.). سند العروة الوثقی - کتاب النکاح. قم: مکتبه فک.
 ۱۰. بهمن پوری، عبدالله (۱۴۰۰). تحلیل و نقد ماده ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ قانون مدنی (حرمت ابدی ناشی از ازدواج در ایام عده). مطالعات راهبردی زنان، ۱۲۳ - ۱۰۷، (۹۱) ۲۳.
 ۱۱. تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷). صراط النجاة. قم: دار الصدیقة الشهيدة.
 ۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
 ۱۳. حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
 ۱۴. حلی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۱۵. حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵). الجامع للشرائع. (تصحیح: جمعی از محققین تحت اشراف شیخ جعفر سبحانی)، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
 ۱۶. حائری شاهباغ، علی (۱۳۸۲). شرح قانون مدنی. تهران: گنج دانش.
 ۱۷. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۱۸). ریاض المسائل. (ط - الحدیثه)، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۱۸. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (۱۴۰۹). الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع - حدیقه المؤمنین. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
 ۱۹. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. (تصحیح: علی اکبر غفاری)، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
 ۲۰. سبحانی، جعفر (۱۳۸۷). الموجز فی اصول الفقه. قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.

۲۱. سبحانی، جعفر (بی تا). کلیات فی علم الرجال. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۲. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳). مهذب الأحكام (للسبزواری). قم: مؤسسة المنار.
۲۳. سید مرتضی (۱۴۱۵). الانتصار فی انفرادات الامامیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۷). منهاج الصالحین (للسیستانی). قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
۲۵. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹). کتاب نکاح (زنجانی). قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۶. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴). غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الكتاب العربی، بیروت.
۳۰. طاهری، حبیب الله (۱۴۱۸). حقوق مدنی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل، اکبریان چنارستان علیا، فاطمه (۱۳۹۸). تحلیل ماده ۱۰۵۶ قانون مدنی از منظر فقه و حقوق خانواده. مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، ۸۹ - ۶۵؛ (۲۴).
۳۲. عمیدی، سید عمیدالدین بن محمد اعرج حسینی (۱۴۱۶). کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد. (تصحیح: واعظی، محی الدین؛ کاتب، حاج کمال و جلال اسدی)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۳۳. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - النکاح. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۳۴. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۳۶. فقعی، علی بن علی بن محمد بن طی (۱۴۱۸). الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الإیقاعات و العقود. قم: مکتبة إمام العصر علیه السلام العلمیة.
۳۷. قطیفی، آل طوق، احمد بن صالح (۱۴۲۲). رسائل آل طوق القطیفی. بیروت: دار المصطفی لإحیاء التراث.
۳۸. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۲). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۹. لطفی، اسدالله (۱۳۸۸). حقوق خانواده. تهران: انتشارات خرسندی.
۴۰. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵). حقوق خانواده. تهران: گنج دانش.

۴۱. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۰۶). منهاج المؤمنین. (تصحیح: سید عادل علوی)، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۴۲. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۶). حقوق خانواده نکاح و انحلال آن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۳. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۵. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳). المقنعه. قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد.
۴۶. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیلة. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
۴۷. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱). نهایی المرام فی شرح مختصر شرائع الإسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
۴۹. نجفی، کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲). أنوار الفقاهة - کتاب النکاح. نجف: بی نا.
۵۰. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۱. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹). العروة الوثقی (للسید الیزدی). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۵۲. یتربی، علی محمد (۱۳۷۶). حقوق خانواده در حقوق مدنی. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۵۳. وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸). منهاج الصالحین (للوحد). قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.